

مرگ ۶۶ سوختبر از ابتدای سال

درباره کسانی که در شغلی غیررسمی در تصادفات جاده‌ای کشته می‌شوند



تکس: صادق سوری

که سوختبری را کنار بگذاریم،» ماشینی که خواهرزاده‌اش، فیصل، راننده آن بود و پسر کوچک‌اش مدرسه هم در آن نشسته بود، متعلق به خودش بود.

آخرین باری که یک‌نفر دیگر از همین روستا جانش را در جاده‌ها و پشت فرمان یک خودروی حامل سوخت از دست‌داد، ۱۳ آذرماه بود. از میان چهار نفری که برای سوختبری رفته بودند، دوست‌محمد جانش را از دست‌داد و عبدالرحمان، دوشنبه و عارف با بدن‌هایی مجروح برگشتند. این‌را فاروق ۲۲ ساله، اهل همین روستا تعریف می‌کند که خودش تا دو سال پیش سوختبری می‌کرد، اما حالا در چابهار در یک رستوران سنتی کار می‌کند و پنج فرزند دارد. فاروق هم روایت مشترکی با ندیم، دهیار روستا دارد: «ما به‌دلیل مرزنشینی مجبوریم سوختبری کنیم؛ دیگر کاری در روستایمان نداریم. آبی برای کشاورزی نداریم. آب برای خوردن نیست.» فاروق تا کلاس پنجم درس خواند و بعد از آن سوختبر شد، مثل باقی پسرهای روستا: «۱۳- ۱۲ سالمان که می‌شود سوخت‌بری می‌کنیم. هرچه‌ای که باشد، حتی اگر پدرش نباشد، با عمو یا یک مرد دیگر رانندگی می‌کند. بیشتر هم‌کلاسی‌هایم سوختبری می‌کردند، در همین روستا در هر خانه‌ای از ۱۰ نفر، ۸ نفر سوختبری می‌کنند. به‌نظرم یک قبرستان پر از همین سوختبرهاست. از یاهوکلات تا نگور، هر جا قبرستانی باشد، اکثرشان سوختبرند، همه مرزها بند (بسته) است و الان از جاده ساحلی گازوئیل را می‌برند آن طرف. اول با ماشین، بعد با قایق به سمت پاکستان،»

بنزین و گازوئیل درازای دلار و رویه

مدتی پیش منصور بیجار، استاندار سیستان و بلوچستان، در نشستی با علما، معتمدان و ریش‌سفیدان شهرستان‌های سراوان و گلشن، تاکید کرده بود: «مردم استان قاچاقچی نیستند؛ محدودیت در سرمایه‌گذاری و کمبود فرصت‌های اقتصادی باعث‌شده تا بخشی از مردم به شغل‌های غیررسمی روی بیاورند. طرح رزاق با هدف ساماندهی سوخت و ایجاد درآمد پایدار برای مردم اجرا شده است، این

روستای ما گازوئیل کش هستند و سواد هم دارند. بعضی از هم‌کلاسی‌های خودمان که لیسانس دارند هم همین کار را می‌کنند. برای کار جای دیگری رفتند، آزمون دادند، قبول نشدند و رفتند دنبال گازوئیل کشی. ۱۴-۱۳ ساله که بشوند، می‌روند گازوئیل کشی. اول شاگردی می‌کنند و بعد پشت فرمان می‌نشینند؛ یعنی اول کنار راننده می‌نشینند و بعد خودشان پشت فرمان می‌نشینند. از همان زمانی که درس‌شان را رها می‌کنند، شغلی که پیدا نمی‌شود، می‌روند دنبال گازوئیل کشی.» در روستای سولدان تا وقتی آب بود، کشاورزی هم بود، اما حالا «آب برای خوردن هم نیست؛ چه برسد کشاورزی کنیم. این جوان‌ها هم مجبور می‌شوند که بروند طرف سوختبری و گازوئیل کشی. ما شاهد این هستیم که هرروز این اتفاق می‌افتد. در روستاهای همسایه و هم‌جوار ما هم این اتفاق زیاد رخ می‌دهد که جوان‌هایشان را برای سوختبری از دست داده‌اند. این کار درآمد هم ندارد، نمی‌دانم چرا می‌روند؟ سرمایه‌ای ندارند که؛ برای یک لقمه نان می‌روند.»

فاصله سولدان تا مرز کلوکی و خاک پاکستان ۳۰ کیلومتر هم نمی‌شود؛ مرزی که تا پیش از بسته‌شدن، مسیر اصلی سوختبری روستاهای نزدیک آن بود، اما حالا که مرز را بسته‌اند، سوخت را پشت ماشین‌ها می‌برند دریا. ندیم می‌گوید ما به آن می‌گوییم «اور»، همان مرز ریمدان است. فاصله‌اش کمی بیشتر است. آن مرز کلوکی قبلاً کوهستانی و شن بود. این مرز جدید بیشتر آسفالت است و کمی از آن خاکی است. چندروز پیش یکی دیگر هم در همین مسیر فوت کرد، ولی نسوخت. این سوخت‌ها را با قایق به‌طرف پاکستان می‌برند.»

آن کودک شش‌ساله که نام‌اش مدثر بود و در ماشین‌های آشنا دورشان، یعنی فیصل نشسته و سوخته بود، فرزند «لیاقت» بود؛ معتمد روستا که حالا تعریف می‌کند: «در سولدان شغلی نداریم، فقط سوختبری و کشاورزی. موز کشت می‌کردیم که آب سد (پیشین) تمام شد. باغ‌های موز کم‌کم در حال ازبین‌رفتن‌اند و مجبوریم به سوختبری. هرروز ساحت، تصادف و سوختگی است. به خدا هیچ راهی نداریم

دانش دادالله‌زهی دبیر و فعال اجتماعی در ایرانشهر:

اولین دلیلی که کودکان، نوجوانان سوختبری می‌روند، این است که این شغل بسیار در دسترس آنهاست و تفاوت قیمت سوخت بین ایران و پاکستان بسیار زیاد است: «برای مثال اینجا یک گالن ۲۰ لیتری در پمپ بنزین با قیمت هر لیتر بنزین سه‌هزار تومان، در نهایت روبه‌روی همان پمپ بنزین، ۴۶۰ هزار تومان می‌فروشد. همان فردی که این گالن بنزین را ۴۶۰ هزار تومان خریده است، آن را به آدم‌های عادی ۶۵۰ هزار تومان می‌فروشد



سارا سبزی خبرنگار گروه جامعه

آخرین تصویر از «مدثر» چهارساله در کنار یک آشنای خانوادگی دور است؛ در کنار فیصل، آخرین لحظه زندگی هم در کنار او تمام شد، وقتی که داخل یک خودروی حامل سوخت در مسیر ریمدان در حوالی سنگان‌باهو در شهرستان دشتیاری به خودروی (عارف) که آن هم لالباب از سوخت بود، بر خورد می‌کنند و همه چیز همان‌جا تمام می‌شود و سه نام دیگر به نام‌های سوختبران کشته‌شده در جاده‌ها اضافه می‌شود؛ در جاده‌های سیستان و بلوچستان، بندرعباس، کرمان و هرمزگان.

در میان خبرهای منتشرشده در منابع غیررسمی و رسمی که از ابتدای فروردین‌ماه امسال تا اواسط آذرماه منتشر شده، فقط نام و خبر مرگ ۶۲ سوختبر در جاده‌های جنوب سیستان و بلوچستان دیده می‌شود که از میان آنها ۹ نفر نوجوان بودند، اما به این آمار باید سوختبرانی که در جاده‌های جنوب کرمان، میناب، هرمزگان، بندرعباس و همه جاده‌های استان‌های جنوب شرقی ایران تردد دارند را هم اضافه کرد که نامی از آنها در خبرها وجود ندارد.

مدثر، فیصل و عارف هر سه اهل روستای سولدان دشتیاری بودند. ندیم، دهیار جوان روستای سولدان است و تصویر ده‌ها نفر از آشنایان دور و نزدیک خود را به‌یاد می‌آورد، حتی نام آن سوختبری که وقتی هفت‌ساله بود، خبر کشته‌شدنش را شنید: «آن موقع که اول یا دوم ابتدایی درس می‌خواندم، یک‌نفر که می‌خواست گازوئیل ببرد، همان‌جا که می‌خواست گازوئیل را پر کند، گیر می‌کند و می‌سوزد. اسم‌اش دادرمان بود، او هم سوخت.»

این تصویر را همه اهالی استان‌های جنوب شرقی به چشم دیده‌اند؛ تصویر یک خودروی سوخته رهاشده در کنار جاده‌ها. یکی از این سه‌نفر ۲۷ ساله بود، یک‌نفر دیگر ۳۰ ساله و یکی دیگر هم ۲۵ ساله: «بیشتر اهالی



اعتراض به گزارش مجلس

حمیدظهرایی، معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی گفت، در گزارش مجلس درباره آتش‌سوزی جنگل البت اعلام‌شده که سازمان حفاظت محیط زیست در این فرآیند کوتاهی کرده است و عدم صدور مجوز از سوی سازمان محیط زیست برای جمع‌آوری درختان شکسته، موجب بیشتر شدن آتش شده است، درحالی که این یک حرف کاملاً غیرعلمی است و سازمان محیط زیست، زیر بار اقدام غیرعلمی نمی‌رود. به گزارش ایلنا، ظهرایی درباره راهکارهای مقابله با آتش‌سوزی‌ها و حفظ مناطق تحت حفاظت سازمان حفاظت محیط زیست گفت: ۱۲ درصد از سرزمین ایران تحت حفاظت سازمان حفاظت محیط زیست قرار دارد که شامل ۱۹/۸ میلیون هکتار از اراضی است. در این مناطق ۶۵۰ پایگاه محیطیایی و حدود چهارهزار محیطیان فعالیت می‌کنند. به گفته او براساس استاندارد جهانی، برای حفاظت از این اراضی حدود ۱۲ هزار محیطیان نیاز است. او در ادامه گفت: «باتوجه به دستور ویژه رئیس‌جمهور مبنی بر هماهنگی با سازمان حفاظت محیط زیست برای هوشمندسازی مناطق تحت حفاظت، با همکاری وزارت دفاع و سازمان برنامه و بودجه، برنامه‌هایی برای هوشمندسازی در پارک ملی گلستان وجود دارد و در حال حاضر در مرحله انعقاد تفاهنامه هستیم.»



بیکاری ۲۰ هزار معلول

علی افشاری، مدیرکل نیروی انسانی و تشکیلات سازمان بهزیستی اعلام کرد، حدود ۲۰ هزار فرد دارای معلولیت بامدرک دانشگاهی بیکارند. به گزارش ایسنا، افشاری در توضیح بیشتر این خبر گفت: «در آزمون نخست، سه‌هزار نفر از این افراد جذب شدند. در آزمون جدید هم چهارهزار نفر جذب می‌شوند و علاوه بر این، بخش دیگری نیز از طریق واحد اشتغال بهزیستی در بخش خصوصی مشغول به کار شده‌اند، به گفته او اگر این آزمون هر سه تا چهار سال تکرار شود، دیگر فرد دارای معلولیت دارای مدرک دانشگاهی، بیکار نخواهیم داشت. مدیرکل نیروی انسانی و تشکیلات سازمان بهزیستی با اشاره به استخدام چهارهزار و ۴۰۳ نفر از افراد دارای معلولیت در ۴۶ دستگاه اجرایی گفت: «بیشترین سهمیه مربوط به وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و سازمان بهزیستی است؛ به‌طوری که سه‌هزار نفر در وزارت آموزش و پرورش، ۱۴۴ نفر در وزارت بهداشت و ۲۴۴ نفر در سازمان بهزیستی استخدام خواهند شد.»



برنامه افت فشار آب

کمال الدین میرجعفریان، معاون عمرانی استانداری تهران اعلام کرد که افت فشار آب در شهر تهران، برای مدیریت مصرف آب، ادامه دارد. او در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به آخرین وضعیت آبی شهر تهران گفت: «وضعیت بارش‌ها در شهر تهران خوب نبود و حتی روان آبی هم در سطح شهر اتفاق نیفتاد. بارش‌ها از ابتدای آذرماه در برخی مناطق تهران، کمتر از یک‌میلی‌متر بوده است.» میرجعفریان ابراز امیدواری کرد: «این وضعیت آبی، برای هموطنان‌مان مشکلی ایجاد نکند. ما هم در ملاحظات و اجرای برنامه‌ها بتوانیم مدیریت لازم را انجام دهیم تا بتوانیم از این روزها عبور کنیم.» به گفته او انتقال آب طالقان به تهران، به سرانجام رسیده و پنج‌هزار لیتر در ثانیه وارد شبکه شده است: «پروژه رینگ قمر بنی‌هاشم تقریباً به پایان رسیده و پروژه انتقال آب لار نیز با جدیت در حال دنبال‌شدن است.»

ابهامات ساخت و ساز در حریم کاخ گلستان

است: «این پروانه فاقد اعتبار برای انجام عملیات ساختمانی است.» این موضوع، ابهام تازه‌ای درباره مبنای حقوقی شروع عملیات ایجاد می‌کند. پس از انتشار این خبر، در تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲، بار دیگر و همچنان بدون تأیید نقشه از سوی اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، پروانه‌ای با عنوان «شهرسازی و تخریب و گودبرداری» برای همان ۷ طبقه صادر می‌شود. این اتفاق، این پرسش اساسی را مطرح می‌کند که آیا ضوابط حریم ازگ تاریخی تهران- که براساس آن صرفاً ساخت دوطبقه با حداکثر ارتفاع هشت‌متر مجاز است- در این پرونده مورد توجه قرار گرفته یا خیر؟

ازسوی دیگر، اگر احداث چهار طبقه زیر زمین با قوانین میراث فرهنگی و ضوابط بافت ثبت ملی عودلاجان انطباق دارد، این سوال مطرح است که چرا این امکان صرفاً برای چند پلاک خاص فراهم شده و سایر مالکان بافت تاریخی از چنین امتیازی برخوردار نیستند. در این میان تداوم این روند، حتی پس از دستور صریح وزیر میراث فرهنگی، ابهاماتی را درباره نحوه اعمال قانون و اولویت‌بندی منافع عمومی ایجاد کرده است.

فعالان میراث فرهنگی تاکید می‌کنند اگر موضوع رفع خطر مطرح است، چرا به‌نامه رسمی اداره کل میراث فرهنگی استان تهران درباره لزوم حفظ جداره توجه نشده است؟ براساس کدام مجوز قانونی، روند تخریب دنبال شده است؟ در این میان مکاتبه خطاب به آقای صارمی، معاون پیشین شهرسازی و معماری

تاریخ دهم مردادماه سال گذشته، شهرداری ناحیه ۲ منطقه ۱۲ گزارشی صادر می‌کند که در آن، ملک مذکور «خطرناک» اعلام شده و بر ضرورت رفع خطر و تخریب سقف‌ها و دیوارهای اضلاع شرقی، شمالی و غربی بنا به‌دلیل احتمال ریزش تاکید می‌شود. این درحالی است که مستندات و تصاویر ثبت‌شده در همان مقطع زمانی، چنین ادعایی را تأیید نمی‌کنند.

در ادامه این روند، بدون آنکه نقشه‌ای به تأیید اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان تهران رسیده باشد، شهرداری در تاریخ یکم دی‌ماه سال ۱۴۰۳ پروانه‌ای با عنوان «تخریب و نوسازی (شهرسازی ۱)» صادر می‌کند که براساس آن، احداث ۷ طبقه شامل ۳ طبقه روی زمین و ۴ طبقه زیر زمین مجاز اعلام شده است. این درحالی است که مطابق روال‌های شناخته‌شده شهرداری، صدور پروانه ساختمانی بدون تأیید نقشه، با ابهام جدی مواجه است. پرسش اینجاست که چگونه چنین پروانه‌ای، آن‌هم در حریم جهانی کاخ گلستان، صادر شده است. در فروردین‌ماه، عملیات ساختمانی شامل نصب تاورکین و ستون‌گذاری آغاز می‌شود؛ در شرایطی که در متن همین پروانه تصریح شده

ماه گذشته، انتشار خبر ساخت و ساز در مجاورت مجموعه جهانی کاخ گلستان و در مقابل بنای شمس‌العماره، بار دیگر نگرانی‌ها درباره تعرض به حریم میراث جهانی تهران را برانگیخت. بازتاب گسترده این خبر باعث شد دستور توقف عملیات و تعیین تکلیف آن از سوی وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی صادر شود. ازسوی دیگر، کارگروهی که مقرر بود به ریاست معاون میراث فرهنگی کشور تشکیل شود، هنوز توضیحی درباره تصمیمات ارائه شده در این خصوص اعلام نکرده است.

ماجرای ساخت و ساز در حریم کاخ گلستان به سال ۱۴۰۱ برمی‌گردد؛ پس از اینکه پلاک موسوم به گاز شمس‌العماره در سال ۱۴۰۱ واجد ارزش تاریخی- فرهنگی تشخیص داده شد. مردادماه سال گذشته جواد واحدی، معاون حقوقی و امور مجلس وزارت میراث فرهنگی، دستوری به اداره کل میراث فرهنگی استان تهران ابلاغ کرد. به‌دنبال آن مدیرکل وقت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان تهران، در تاریخ یکم مهرماه همان سال توسعه بنا به سه طبقه زیرزمین و در ارتفاع ۸ متر، با تاکید بر «حفظ جداره» را تأیید کرد. ازسوی دیگر در